

گزارش سیزدهمین نشست از سلسله نشست‌های سرزمین مادری

محله سبزه‌مشهد

با معرفی گذرهای سرچشمه، سرپیر، دباغان، نقارچیان، چهارشنبه‌ای، قاپی و...



سیزدهمین نشست از سلسله نشست‌های «سرزمین مادری» با موضوع «محله سبزه‌مشهد» عصر روز دوشنبه بیست‌وهفتم مردادماه ۱۴۰۴ در تالار اندیشه مؤسسه فرهنگی میرداماد گرگان برگزار شد. این نشست با حضور مهندس محدثه میرحسینی (کارشناس ارشد مرمت ابنیه و بافت‌های تاریخی) و محمود اخوان مهدوی (پژوهشگر تاریخ محلی) به عنوان سخنرانان نشست سیزدهم، به معرفی جایگاه محله سبزه‌مشهد گرگان در ساختار شهر استرآباد (بافت تاریخی گرگان کنونی) و بررسی پیشینه تاریخی، فرهنگی و اجتماعی این محله و گذرهای زیرمجموعه آن هم‌چون سرچشمه، سرپیر، دباغان، نقارچیان، قاپی، چهارشنبه‌ای و... اختصاص داشت. پیش از این طی نشست‌های سرزمین مادری دو محله دیگر از سه محله اصلی شهر استرآباد، معرفی شده بودند؛ چنان‌که دومین نشست از نشست‌های سرزمین مادری به محله نعلبندان و نهمین نشست به محله میدان اختصاص داشت.

محدثه میرحسینی در ابتدا با نمایش دادن نقشه‌هایی از ساختار شهر استرآباد در دوره قاجار و جایگاه محله سبزه‌مشهد به عنوان یکی از سه محله اصلی شهر استرآباد، به هسته‌های اولیه شکل‌گیری این محله اشاره کرد و در ادامه ضمن نشان دادن نظام محله بندی شهر استرآباد، محل استقرار هریک از محلات فرعی و گذرهای محله سبزه‌مشهد را تبیین نمود. وی اضافه کرد: هریک از محله‌های سرچشمه و سرپیر و دباغان در ابتدا جزء محله یا گذرهای محله سبزه‌مشهد بوده و بعدها مستقل و منفک شده‌اند. او گفت: هرچند نظام سه محله‌ای شهر استرآباد بیش از یک سده است که فراموش شده و در حافظه‌ی شفاهی ساکنان این شهر باقی نمانده، اما

هم‌چنان برخی آیین‌های بومی رایج در این شهر؛ مانند آیین طوق‌بندان، هم‌چنان برمبنای همین نظام کار می‌کند. چنان‌که در آیین طوق‌بندان روز ششم محرم، محله‌های سبزه‌مشهد، سرچشمه، سرپیر و دباغان یکپارچه هستند و این آیین را باهم و در یک روز برگزار می‌کنند.

هم‌چنین میرحسینی، میدانگاه تکایای هر محله را مهم‌ترین بخش محله و محل تعاملات اجتماعی-فرهنگی آن محله معرفی کرد و اشاره داشت، که اهالی گرگان واژه‌ی تکیه را در دو معنی به کار می‌برند؛ یکی به معنی جزء فضاهایی که مربوط به خانواده‌ها یا اصناف مختلف است و دیگری کل فضایی که مجموع تکیه‌ها در پیرامون آن شکل گرفته‌اند. بنابراین وقتی گرگانی‌ها می‌گویند تکیه سبزه‌مشهد، منظور مرکز محله سبزه‌مشهد است. او اضافه کرد واژه تکیه در گذشته‌های دور معادل فضایی برای تجمع اهل تصوف بوده و کارکرد تکیه به معنی حسینی یا محل عزاداری امام حسین (ع) متأخر است. او گفت: یک پژوهشگر اروپایی به نام هانری ماسه قدیمی‌ترین تکیه با کاربری عزاداری امام حسین (ع) یا قدیمی‌ترین جایی که واژه‌ی تکیه به مفهوم حسینی به کار رفته را مربوط به محله دباغان در شهر استرآباد دانسته، اما باتوجه به این‌که منبع هانری ماسه کتیبه‌ای متعلق

به دوره صفویه بوده که لوئی رابینو کنسول بریتانیا در رشت در کتاب خود معرفی کرده و در عنوان این کتیبه نوشته، «کتیبه‌ای که بر تکیه گذر دباغان نصب است». بنابراین ماسه گمان برده واژه «تکیه» در متن کتیبه آمده، حال آن‌که چنین نیست و واژه‌ی تکیه را رابینو در اواخر دوره قاجار ذکر کرده است. بنابراین این ادعا که قدیمی‌ترین تکیه‌ی ایران با کاربری حسینی و محل عزاداری در محله دباغان استرآباد است، مردود خواهد بود.

او گفت: قدیمی‌ترین اسنادی که در مورد تکایای استرآباد



تیکه بی‌سر (بی‌بی سبز) محله سرچشمه

وجود دارد، نشان می‌دهد که شخصی به نام عباس خان بیگلربیگی، ابتدا سه تکیه در سه محله‌ی اصلی شهر استرآباد، یعنی محلات نعلبندان، سبزه‌مشهد و میدان احداث کرده، که بعدها این تکیه‌ها به نام «تکیه عباسخانی» شهرت یافتند و البته به آن‌ها «پیرتکیه» یا «تکیه بزرگ» هم می‌گویند. نکته جالب این‌جاست که باتوجه به این‌که عباسخان ساکن گذر سرپیر استرآباد بوده، علاوه بر این سه تکیه، یک تکیه‌ی دیگر در محله‌ی سرپیر نیز احداث می‌کند که آن هم به نام‌های «تکیه عباسخانی»، «تکیه پیر» و «تکیه بزرگ» شناخته می‌شود. محمود اخوان در توضیح سخنان میرحسینی گفت: عباس خان قوئلوی قاجار، پسر امامقلی خان قوئلوی بوده است. در زمانی که فتحعلی‌شاه با لقب باباخان حاکم استرآباد بود، پدر عباسخان (امامقلی خان) نایب‌الحکومه استرآباد بوده و وقتی که فتحعلی‌شاه به سلطنت می‌رسد، امامقلی خان به حکومت و بیگلربیگی‌گری استرآباد منصوب می‌شود. این امامقلی خان یک مسجد و سقاخانه در محله سبزه‌مشهد و یک مسجد در گذر قاپی بنا کرده است. عباس خان در این دوره نایب‌الحکومه پدرش بوده و در دوره محمدشاه قاجار خودش بیگلربیگی

استرآباد می‌شود. خانه‌ی امامقلی خان و عباسخان در گذر قاپی از مضافات محله سرپیر استرآباد بوده، که امروزه نیز بخشی از آن خانه و عمارت با نام خانه قوئلو در گذر قاپی وجود دارد و توسط سرمایه‌گذار بخش خصوصی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. نکته‌ی جالب اینجاست که عباسخان بیگلریگی یک تکیه هم در محله آب‌انبارنو سازی احداث کرده که از نظر فرم و پلان دقیقاً شبیه همین تکیه‌های عباسخانی‌گرگان است و در ساری هم با نام «تکیه عباسخانی» شناخته می‌شود.

پس از توضیحات تکمیلی اخوان، میرحسینی مطالب خود پیرامون تکایا را ادامه داده و گفت: شواهد حاکی از آن است در زمانی که محلات امروزی سرچشمه، سرپیر و دباغان، به عنوان گذرها و محلات فرعی سبزه‌مشهد شناخته شده و هنوز از سبزه‌مشهد مشتقل و تفکیک نشده بودند، غیر از محله سرپیر که یک استثناء است، هیچ‌کدام از محلات یادشده‌ی دیگر دارای تکیه نبوده‌اند، بلکه هرکدام از این محلات در یک ضلع میدانگاه تکیه سبزه‌مشهد برای خود تکیه‌ای داشته‌اند؛ مثلاً اهالی سرچشمه در ضلع شرقی، که به نام تکیه عقیلی‌ها شناخته می‌شد. اهالی دباغان در گوشه شمال شرقی که با نام تکیه زمانی شناخته می‌شود و گروهی از دباغانی‌ها هم در گوشواره شرقی پیرتکیه سبزه‌مشهد مستقر بودند.

اهالی نقاره‌چیان و سیستانی محله در گوشواره غربی پیرتکیه استقرار داشتند، که هنوز هم هستند و گروهی از اهالی سرپیر هم در ضلع غربی و کنار چنار سبزه‌مشهد تکیه داشتند، که هنوز هم متعلق به یک خانواده سرپیری است و به نام «تکیه نهفته» شهرت دارد.



اخوان به دعنوان توضیح اضافه کرد: تکیه نهفته یا

چنار محله سرچشمه که در دهه ۱۳۷۰ سرنگون شد

تکیه کربلایی کریم حمامی، ابتدا یک ساختمان کوچک کاهگلی یک طبقه بود و بعدها ساختمان

قدیمی را تخریب کرده، جای آن یک ساختمان بزرگ‌تر با مصالح آجر و سیمان ساختند و گروهی از مهاجران گرگان به نام خانواده شفیی، که بیشتر با عنوان شفیی شیشه‌بر شناخته می‌شوند، نیز در ساخت این تکیه مشارکت کرده، در طبقه دوم این تکیه مستقر شدند.

میرحسینی گفت یکی از مهم‌ترین گذرهای محله سبزه‌مشهد گذر سوخته‌چنار بوده، که در راستای شرقی-غربی امتداد داشته، این گذر تقریباً از ابتدای کوچه لاله ۱۳ (کوچه باغ‌مزار استاد لطفی) شروع شده و تا حدود حمام کفش‌دوزان ادامه داشته است؛ یعنی تکیه‌های محله سبزه‌مشهد هم در واقع در گذر سوخته‌چنار ساخته شده‌اند.

اخوان اضافه کرد: تا حدود دهه ۱۳۴۰ خ در ابتدای کوچه لاله ۱۳ کنونی و در مقابل منزل پهلوانی یک محوطه‌ی بزرگ وجود داشت و داخل این محوطه بقایای یک چنار سوخته بود، که احتمال می‌رود این گذر نام خود را از همان چنار سوخته گرفته باشد!

هر دو سخنران همزمان با سخنرانی و بیان اطلاعات تاریخی عکس‌ها و اسناد متعددی را در ارتباط با اطلاعات ارائه شده نمایش می‌دادند که به درک بهتر مطالب کمک می‌کرد.

پس از بیان کلیات در مورد محله سبزه‌مشهد، توضیحاتی در مورد محله سرچشمه و عناصر مهم آن مانند درخت چنار کهنسال، مظهر قنات و... بیان شده و تصاویر و اسناد کمتر دیده‌شده‌ای در مورد سرچشمه به نمایش گذاشته شد. سپس به همین ترتیب توضیحاتی در معرفی محله‌های سرپیر و دباغان ارائه گردید.

در پایان جلسه اخوان اظهار داشت: ما برای این برنامه از استاد سیدحسین میرکاظمی دعوت کردیم تا به عنوان میهمان برنامه تشریف بیاورند و با بیان شیوای خود خاطرات و نکاتی را در مورد محلات سبزه‌مشهد، سرچشمه، سرپیر و مخصوصاً دباغان ارائه کنند. اما متأسفانه ایشان عذرخواهی کرده، برای تمام حضار سلام رساندند و خواستند که بنده یا شخص دیگری بخش از خاطرات ایشان در مورد محله دباغان را در جلسه بخواند. البته ایشان تأکید داشتند که ما گرگانی‌ها نام دباغان را به ضمیمه دوم و به صورت «دَبُغان» ادا می‌کنیم. به هر حال، من دیدم هرکس غیر از خود ایشان آن خاطرات را بخواند از لطف آن کاسته خواهد شد. بنابراین ضمن این که شمار را دعوت می‌کنیم که یادداشت‌های ایشان با نام «نفس‌هایم با محله‌به» را که در شماره‌های ۳۱ و ۳۲-۳۳ فصلنامه میرداماد منتشر شده مطالعه کنید. تا به امید خدا بعداً همین خاطرات را با صدای این استاد بزرگوار بشنویم.

مهندس محدثه میرحسینی به عنوان آخرین بخش مطالب خود، تصاویر تعدادی از بناهای تاریخی محله‌های سبزه‌مشهد، سرچشمه، سرپیر و دباغان را نشان داد، که در سال‌های اخیر تخریب شده و از بین رفته‌اند. از جمله این بناها؛ خانه وزیری در سبزه‌مشهد که اکنون باغ‌مزار استاد لطفی است، خانه سردار افخم در سرچشمه، خانه شیخ اسماعیل قاضی در سرچشمه، خانه‌های ارشاد و آیدانی در سرپیر، خانه شامبیاتی و میرکاظمی در سبزه‌مشهد، خانه شکبیا در قاپی و...

در انتها نیز فرصتی برای پرسش و پاسخ اختصاص داده شد. یکی از حضار از سخنرانان خواست محدوده‌ی دقیق بازار قیصریه و گذر قاپی را توضیح دهند، که در توضیح گفته شد: بازار قیصریه یک راسته بازار با کشیدگی شمالی- جنوبی بود، که از جنوب به چهارسوق بازار منتهی می‌شد و چهارسوق بازار هم دقیقاً در محل چهارراهی است که در مقابل ماسه‌بندی جنب مکتب الحسین (در مجاورت محله دوشنبه‌ای) قرار دارد. منتها الیه شمالی قیصریه هم به میدان قیصریه ختم می‌شد، که این میدان علاوه بر این که شبیه به یک سرا یا تیمچه بود و گاهی بارانداز بازار هم محسوب می‌شد، ولی کارکرد سیاسی- اجتماعی هم داشت و گاهی به عنوان میدان اعدام هم استفاده می‌شد. میدان قیصریه میدانی مثلثی شکل بود که از یک طرف به کاروانسرای خراسانی و آب‌انبار حاج علی در ابتدای میرکریم، از یک طرف به خیابان نقاره‌چیان و از یک طرف به کاروانسرای مهدی جهود (مهدی حزقیلی) منتهی می‌شد.

در مورد گذر قاپی هم گفته شد: نام قاپی، واژه‌ای ترکی و درواقع معادل همان قاپو، به معنی دروازه بزرگ است و معمولاً به قلعه‌ها یا عمارات بزرگ که دارای دروازه‌ای بزرگ هستند قاپی یا قاپو گفته می‌شود. در اسناد تاریخی استرآباد از این منطقه با نام «قاپی جعفرقلی‌خانی» یاد شده، که این جعفرقلی خان قاجار هم از حکام و صاحب‌منصبان استرآباد بوده است. گذر قاپی از یک طرف از کنج شمال غربی تکیه سرپیر در شکل و فرم یک